



دانشگاه پیام نور

غزلیات و قصاید سعدی

(نظم ۵ بخش ۲)

(رشته زبان و ادبیات فارسی)

دکتر حسن انوری

سرشناسه	: انوری، حسن، ۱۳۱۲-
عنوان و پدید آور	: غزلیات و قصاید سعدی (نظم ۵ بخش ۲) / مؤلف: حسن انوری.
مشخصات نشر	: تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری	: هجده، ۱۶۱ ص.
روست	: دانشگاه پیام نور، ۱۵۴۲، گروه زبان و ادبیات فارسی، ۱/۱۲۱
شابک	: 978 - 964 - 387 - 571 - 8
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا.
یادداشت	: چاپ قبلی: دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۲ (۲۱۱ ص)
موضوع	: سعدی، مصطفی بن عبدالله، - ۵۶۹۱، غزلیات برگزیده.
موضوع	: سعدی، مصطفی بن عبدالله، - ۵۶۹۱، قصاید برگزیده.
موضوع	: شعر فارسی - قرن ۷ ق. - تاریخ و عقد - آموزش برنامه‌ای.
موضوع	: ادبیات فارسی - آموزش برنامه‌ای.
شناسه افزوده	: دانشگاه پیام نور
رده بندی کنگره	: ۸۴۲ الف/۵۲۱۵ PIR
رده بندی دیویی	: ۸۵۳۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۷۱۳۸۷



دانشگاه پیام نور

غزلیات و قصاید سعدی (نظم ۵ بخش ۲)

مؤلف: دکتر حسن انوری

ویراستار علمی: دکتر حسین ولی زاده

تهیه و تولید: مدیریت تولید محتوا و تجهیزات آموزشی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور

شمارگان: ۶۰۰۰ نسخه

نوبت و تاریخ چاپ: چاپ اول بهمن ۱۳۷۲، چاپ اول (تجدید حروفچینی) شهریور ۱۳۹۰

شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۳۸۷ - ۵۷۱ - ۸

ISBN: 978 - 964 - 387 - 571 - 8

فروش این کتاب فقط از طریق نمایندگی‌های دانشگاه پیام نور مجاز می باشد و فروش

آن در سایر مراکز فروش کتاب موجب تعقیب قانونی فروشنده خواهد گردید

(کلیه حقوق نشر اعم از چاپی، الکترونیکی، تصویری، صوتی و اینترنتی برای دانشگاه پیام نور محفوظ است)

قیمت: ۱۸۰۰۰ ریال

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار ناشر

کتاب‌های دانشگاه پیام نور حسب مورد و با توجه به شرایط مختلف یک درس در یک یا چند رشته دانشگاهی، به صورت کتاب درسی، متن آزمایشگاهی، فرادرسی، و کمک‌درسی چاپ می‌شوند.

کتاب درسی ثمره کوشش‌های علمی صاحب اثر است که براساس نیازهای درسی دانشجویان و سرفصل‌های مصوب تهیه و پس از داوری علمی، طراحی آموزشی، و ویرایش علمی در گروه‌های علمی و آموزشی، به چاپ می‌رسد. پس از چاپ ویرایش اول اثر، با نظرخواهی‌ها و داوری علمی مجدد و با دریافت نظرهای اصلاحی و متناسب با پیشرفت علوم و فناوری، صاحب اثر در کتاب تجدیدنظر می‌کند و ویرایش جدید کتاب با اعمال ویرایش زبانی و صوری جدید چاپ می‌شود. متن آزمایشگاهی (م) راهنمایی است که دانشجویان با استفاده از آن و کمک استاد، کارهای عملی و آزمایشگاهی را انجام می‌دهند.

کتاب‌های فرادرسی (ف) و کمک‌درسی (ک) به منظور غنی‌تر کردن منابع درسی دانشگاهی تهیه و بر روی لوح فشرده تکثیر می‌شوند و با در وبگاه دانشگاه قرار می‌گیرند.

مدیریت تولید محتوا و تجهیزات آموزشی

فهرست مندرجات

نه	هدف‌های کلی
یازده	دربارهٔ غزلیات سعدی
پانزده	تصویر در شعر سعدی
۱	بخش اول گزیدهٔ غزلیات
۳	۱. اول دفتر به نام ایزد دانا
۴	۲. ای نفس خرم باد صبا
۶	۳. پیش ما رسم شکستن نبود عهد وفا را
۹	۴. دوست می‌دارم من این نالیدن دل سوز را
۱۲	۵. لاابالی چه کند دفتر دانایی را؟
۱۳	۶. وقتی دل سودایی می‌رفت به بستان‌ها
۱۵	۷. معلمت همه شوخی و دلبری آموخت
۱۸	۸. چنان به‌روی تو آشفته‌ام به‌بوی تو مست
۲۰	خودآزمایی
۲۵	۹. دیر آمدی ای نگار سرمست
۲۶	۱۰. سلسلهٔ موی دوست حلقهٔ دام بلاست
۲۸	۱۱. خرم آن بقعه که آرامگه یار آنجاست
۲۹	۱۲. دیدار تو حل مشکلات است
۳۱	۱۳. شب فراق که داند که تا سحر چند است
۳۲	۱۴. از هر چه می‌رود سخن دوست خوشتر است
۳۵	۱۵. بخت جوان دارد آنکه با تو قرین است
۳۷	۱۶. بتا هلاک شود و دوست در محبت دوست
۳۸	خودآزمایی
۴۱	۱۷. مثنوی ای دوست که بعد از تو مرا یاری هست

۱۸. باد آمد و بوی عنبر آورد
 ۱۹. نظر خدای بینان طلب هوا نباشد
 ۲۰. سعدی اینک به قدم رفت و به سر باز آمد
 ۲۱. من چه در پای تو ریزم که خواری تو بود
 ۲۲. ای ساریان آهسته رو کارام جانم می رود
 ۲۳. زنده کدام است بر هوشیار
 ۲۴. مبارک تر شب و خرم ترین روز
 خودآزمایی
 ۲۵. رفتن و نمی شوی فراموش
 ۲۶. گرم از آمدی محبوب سیم اندام سنگین دل
 ۲۷. چشم خدا بر تو ای بدیع شمایل
 ۲۸. بیدل گمان من که نصیحت کند قبول
 ۲۹. من از آن روز که در بند توام آزادم
 ۳۰. خرامان از درم بازار یک از جان آرومندم
 ۳۱. می روم وز سر حسرت و وقف می نگرم
 ۳۲. هزار جهد بکردم که سر عشق خوشم
 خودآزمایی
 ۳۳. گر تیغ برکشد که محبتان همی زنم
 ۳۴. اگر دستم دهد روزی که انصاف از تو بستانم
 ۳۵. زدستم بر نمی خیزد که یک دم بی تو بنشینم
 ۳۶. امشب آن نیست که در خواب رود چشم ندیم
 ۳۷. ما گدایان خیل سلطانیم
 ۳۸. بگذار تا بگیریم چون ابر در بهاران
 ۳۹. تو از هر در که بازایی بدین خوبی و زیبایی
 ۴۰. من ندانستم از اول که تو بی مهر و وفایی
 ۴۱. سل المصانع رکباً تهیم فی القلوات
 خودآزمایی

- بخش دوم گزیده قصاید
 ۱. ایها الناس، جهان جای تن آسانی نیست
 ۲. فضل خدای را که تواند شمار کرد؟
 ۳. کدام باغ به دیدار دوستان ماند؟
 ۴. به هیچ یار مده خاطر و به هیچ دیار
 ۵. کجا همی رود این شاهد شکر گفتار
 ۶. بامدادی که تفاوت نکند لیل و نهار
 ۷. بس بگردید و بگردد روزگار

- ۱۴۳ ۸. به نوبت اند ملوک اندرین سپنج سرای
 ۱۴۸ ۹. تن آدمی شریف است به جان آدمیت
 ۱۵۰ ۱۰. شرف نفس به جود است و کرامت به سجود
 ۱۵۲ خود آزمایی

- ۱۵۷ سؤالات تشریحی
 ۱۵۹ پاسخ پرسش های چهارگزینه ای
 ۱۶۱ گزیده مراجع

www.ketab.ir

هدف‌های کلی

همچنانکه در سرآغاز گزیده گستان و بوستان (از انتشارات دانشگاه پیام‌نور) گفته‌ایم سعدی یکی از ارکان چهارگانه قومیت و ملیت ایرانی است و در کنار فردوسی و مولوی و حافظ از سازندگان بنای پر عظمت زبان و ادب فارسی به‌شمار می‌رود و مایه افتخار و سرافرازی هر فارسی‌زبان و هر ایرانی است. از این‌رو شناخت دقیق آثار او بر هر ایرانی و به‌خصوص بر دانشجویان رشته زبان و ادبیات، از امور لازم و واجب است. و قطعاً اولین و مهم‌ترین هدف تدریس آثار سعدی در این رشته، برآوردن نیاز به شناخت دقیق این شاعر و نویسنده بزرگوار است. علاوه بر این غزلیات سعدی، زیباترین و دلکش‌ترین اثر منظوم غنائی در زبان فارسی است و حتی می‌توان مدعی شد که در ادبیات غنائی جهانی نیز کمتر نظیر دارد. همچنانکه گاستان مالی‌ترین تجلی‌گاه نثر فارسی است، اوج شکوهمندی و زیبایی شعر عاشقانه فارسی نیز درخشش بی‌مانند خود را در غزلیات سعدی باز یافته است. سعدی در غزل‌های خود از عام‌ترین عواطف آدمی با زیبایی بسیار، ساده و روان و موجز سخن می‌گوید و محتوای ضمیمه پر نشاط و جمال‌جوی و عشق‌پرور خود را در مصراع‌ها و بیت‌هایی که قدرت القائی بی‌نظیری می‌یابند بیان می‌کند. چنانکه در قصایدش نیز اندرزها و سخنان حکیمانه و تجربه‌اندوزی‌های خردمندانه به خواننده تنبّه و آگاهی می‌دهد. آگاهی بر این ویژگی‌ها و درک عمق زیبایی شعر سعدی هدف دیگری است که دانشجوی زبان و ادبیات فارسی باید به آن برسد.

هدف‌های دیگری که در کنار دو هدف مذکور منظور است عبارتند از:

«آشنا شدن با عناصر فرهنگ ایرانی و اسلامی که در غزل و قصیده سعدی انعکاس دارد.

«آشنا شدن با واژگان غزل و قصیده سعدی.

«آشنا شدن با آرایه‌های بدیعی که در غزل‌های سعدی به‌طور طبیعی و بدون تکلف و با زیبایی بی‌نظیر آمده است.

«آشنا شدن با ساختار غزل عاشقانه و غنائی که بهترین نمونه آن در زبان فارسی همین غزل‌های سعدی است و قصاید پندآموز و عبرت‌انگیز که بهترین نمونه‌های آن را نیز در زبان فارسی از سعدی داریم.

هدف‌های رفتاری

از شما انتظار می‌رود پس از مطالعه غزل‌ها و قصیده‌ها و شرح آنها بتوانید:

۱. متن اشعار را با سهولت و روانی بخوانید و در حین خواندن موسیقی کلام را کاملاً آشکار کنید.

۲. مفهوم تک‌تک ابیات را به زبان ساده امروز باز گوید.

۳. آرایه‌های بدیعی را که در غزل‌ها آمده است تشخیص دهید و زیبایی آنها را از جهت لفظی و معنایی توضیح دهید.

۴. غزل‌هایی را که وزن دَوّری دارند تقطیع بکنید و آرایه‌هایی را که در این غزل‌ها هست توضیح دهید.

۵. تشبیهات و استعارات را توضیح دهید.

۶. نکته‌های دستوری را که در شرح‌ها آمده است دریابید و بیان کنید.

۷. محتوای غزل‌ها و قصیده‌ها را تحلیل کنید و بگویید که سعدی در غزل‌های خود چه عواطفی را مطرح می‌کند و معشوق او در هر کدام از غزل‌ها کیست؟ و مخاطبانش در قصیده‌ها چه کسانی هستند؟

درباره غزلیات سعدی

شور و زنده دلی، سرزندگی، سودازدگی، درک کامل زندگی و قلب پرطپش زندگی؛ چیزهایی است که رایجاً آنها از شعر سعدی به مشام می‌رسد. در واقع همه این الفاظ از یک چیز حکایت می‌کند و اگر بنا باشد یک تعبیر به کار ببریم شاید «سودازده» بهتر از هر کلمه دیگری بیانگر صفت و حالت روحی او باشد. کلمه‌ای که او خود بارها به کار می‌برد. بی‌درنگ باید بپذیریم که طبعاً عظمت سعدی در این نیست که سودازده است بلکه در آن است که سودازدگی و آتش حاصل از آن را از طریق کلام به خواننده منتقل می‌کند، همچنانکه عظمتش در گلستان و بوستان - برخلاف تصور برخی‌ها - در اندیشه‌های اخلاقی نیست که بیان می‌کند. اگر چنین باشد عظمتی در سعدی نخواهیم دید. بسیاری از مؤلفان - حتی کسانی از مردم عادی - اندیشه‌هایی بس رفیع‌تر و استوارتر از اندیشه‌های سعدی بر زبان آورده‌اند؛ اما کسی بدین سبب در آنها نبوغ و عظمتی نجسته است. به قول رومن رولان، قدرت هنر، به اندیشه‌ها وابسته نیست، بلکه به چگونگی ابراز و افاده آنها از سوی [شاعر] و نویسنده، به چگونگی آرای خاص او، به مهر و نشانه‌ای که بر آنها می‌زند و به رایحه زندگی و وابسته است.^۱

با آنکه سعدی شخصیتی است با ابعاد گوناگون، به نظر من دو ویژگی در او هست که بدو تشخیص و شاخصیت بخشیده و او را بر بسیاری دیگر از شاعران، اگر نگوییم همه، و فردوسی و مولوی و حافظ را مستثنی کنیم، برتری داده است. آن دو ویژگی عبارتند از عشق او و شیوه سخن‌نویسی و سخن‌سرایی او.

۱. رومن رولان، تولستوی، ترجمه علی‌اصغر خیرزاده، تهران، تیراژه، ۱۳۶۶، ص ۱۱.

سعدی بی‌تردید عاشقی راستین بوده؛ چرا که سوز درونش که در سخنش جاری است از چیزی خبر می‌دهد. به گفتهٔ خودش سعدی، این نالهٔ دلسوز تو بی‌چیزی نیست» و به قول حافظ «آری آری سخن عشق نشانی دارد». و این نشان در سخن سعدی هست و در همه جا خود را بروز می‌دهد. سعدی از عهد جوانی تا ایام پیری در آرزو و خواهش عشق سر کرده است. نه تنها غزلیات او سراسر وقف عشق است. کتاب‌های دیگرش نیز بی‌فصلی از عشق گویا در نظرش ناتمام می‌نموده است. گلستان و بوستان کتاب‌هایی هستند در حکمت عملی و اخلاق فردی و اجتماعی. یکی دنیا را آنچنان که هست ترسیم کرده و به انسان خاکی که در چنگ غرایز و حُب ذات و قدرت‌جویی و خودبینی گرفتار است درس می‌دهد که چگونه غرایز را رام سازد و زمام عقل و اعتدال را برگرداند. و دیگری انسان آرمانی را در مقابل همان انسان خاکی برابر می‌نهد و او را به نیکی بهتر رهنمون می‌شود. جای بسی شگفتی است که در هر دو کتاب بابی از عشق متوجع نباشد. این نیست مگر آنکه سعدی در هر حال و مقامی عشق و جمال‌پرستی را لازمهٔ انسان و «حسبِ بشریت» می‌داند. انسان خاکی وابسته به غرایز به نحوی در چنگال آن گرفتار است و انسان آرمانی را نیز - اگر یافته شود - بی‌عشق انسانی نیست.

جمال‌پرستی و نظر بازی نیز - نه شاید بدان معنا که در نزد حافظ است بلکه - به معنی التذاذ هنری از نگرستن به چهرهٔ زیبا از موضوع‌هایی است که در بسیاری از غزلیات سعدی به چشم می‌خورد. سعدی در برابر چهرهٔ زیبا بی‌تاب است. او را «از روی خوب شکیب نیست» دیده بر دیدار مهرویان گماشتن را سرنوشت و تقدیر زندگی خود می‌داند: فایدهٔ بینایی در آن است که روی دلبر ببیند اگر چنین نباشد پس چه فایده در بینایی هست.^۱

نیز گفتنی است که هنر اصیل به گونه‌ای با زیبایی قرابت دارد. در هنر بسیاری از مردم جهان. هنر و زیبایی دو همزادند که یکی بی‌دیگری تحقق ندارد. آن که ذهن

۱. مرا شکیب نمی‌باشد ای مسلمانان و روی خوب، لکم دینکم ولسی دینی

(کلیات، چاپ امیرکبیر، ص ۶۴۵)

و در نبیند چه بود فایده بینایی را

(کلیات، ص ۲۱۸)

۲. دیده را فایده آن است که دلبر ببیند

هنرمندانه دارد، دل‌بستگی‌ش به زیبایی‌ها افزون‌تر است و در میان مظاهر زیبایی، زیبایی چهره آدمی بیش از هر زیبایی دیگر، سعدی هنرمند را به‌سوی خود می‌کشد؛ به‌ویژه که برای پرستش جمال و نظربازی توجیه عرفانی نیز می‌یافته و می‌توانسته است دهن مدعیان و بدگویان را ببندد. و آن، توجیه نظریه گذر از جمال بشری به جمال لاهوتی است: برخی از صوفیان و نظریه‌پردازان عرفان را عقیده چنان بوده که پرستش جمال و عشق به چهره زیبا، انسان را به کمال معنوی می‌رساند، چرا که معنی را جز در صورت نمی‌توان دید. جمال ظاهر آینه‌دار طلعت غیب است و انسان که در قید «صورت» است و گرفتار آن، به معنی مجرد نمی‌تواند عشق بورزد. پس باید سیر به سوی کمال را از عشق به صورت آغاز کند. احمد غزالی (عارف معروف درگذشته به سال ۵۲۰ ه.ق. برادر ابو حامد محمد غزالی)، فخرالدین عراقی (شاعر معروف، معاصر سعدی، درگذشته به سال ۶۸۸)، اوحدالدین کرمانی (درگذشته به سال ۶۳۵) و برخی دیگر، از این گروه جمال‌پرستان و تقدیس‌کنندگان چهره زیبا بوده‌اند.

تصویر در شعر سعدی

تصویر، به معنی محدود آن که عبارت باشد از تشبیه و استعاره و مجاز و کنایه، در شعر سعدی نسبتاً کم و در بعضی غزل‌ها بسیار کم است. همچنانکه اشاره کردیم شاعر با اندک بهره‌گیری از عناصر جنسی شعر، بیشترین معنی را به کلمه می‌دهد و با بیان معنی رقیق در کلامی دقیق بیشترین قدرت القایی را به زبان می‌بخشد. صدها بیت از نوع ایات زیر که شعر، بی‌تصویر، شعریت یافته است می‌توان در غزلیات وی نشان داد:

ای که گفتی هیچ مشکل چون فراق یار نیست

گر امید وصل باشد همچنان دشوار نیست

خلق را بیدار باید بود از آب چشم من

وین عجب کان و تن می‌گیرم که کس بیدار نیست

بارها روی از پریشانی به دیوار آورم

ور غم دل با کسی گویم به از دیوار نیست

جایی که سعدی از تصویر استفاده می‌کند اغلب تصویرهای عام و شایع به کار می‌برد. گویی به تداعی‌های مأنوس ذهن خوانندگان توجه دارد. تصویرهایی از نوع پیک نسیم صبا، ورق صورت، خار غم، آتش عشق، فراش خزان، سلسله موی، آفتاب جمال، خورشید جمال، تیغ مرگ، کمند سرزلف که همگی با ساخت اضافی یعنی مضاف و مضاف‌الیه و به صورت اضافه تشبیهی ساخته شده و یا تصویرهایی که از نوع استعاره هستند و به صورت اضافه استعاری ساخته شده مانند دست مرگ، دامن نسیم صبا، جان مجرم، زندان شوق و یا تصویرهایی که با استناد مجازی می‌سازد مانند «تو آن

درخت گلی...»، «اگر تو سرو خرامان...»، «شب‌های بی توام شب‌گور است در خیال...»، «امشب به‌راستی شب ما روز روشن است»، «آب حیات من است خاک سرکوی دوست» و صدها نظایر آنها همگی جزء تداعی‌های عادی خواننده فارسی زبان است که اندک آشنایی با شعر و ادب دارد و بسیاری از آنها را قبل از سعدی در شعر فارسی می‌توان پیدا کرد. هنر سعدی در آن نیست که تصویر جدید بسازد بلکه در آن است که می‌داند تصویرهای عام و شایع را در کجا و چگونه به‌کار ببرد و چگونه بیشترین بار عاطفی را به تصویر تزریق کند.

همچنین تصویرهایی که از ترکیب وصفی یعنی موصوف و صفت ساخته می‌شود که در ژرف ساخت آنها تشبیه یا مجازی وجود دارد، مانند: یار سرو بالا، نالیدن جانسور، عاقلان خورده‌چمن، مجنون خرمن‌سوز، یار کسان ابرو، بلبل دستان‌سرای عاشق.

اگر تصویر را در معنی وسیع آن در نظر بگیریم و آن را هر نوع کاربرد زبانی بدانیم که اعتلا و درخشندگی باشد، در ذهن خواننده حرکتی ایجاد کند و صحنه‌ای بیافریند که رنگ عاطفی داشته باشد شعر سعدی البته مالا مال از تصویر خواهد بود مثالی می‌زنیم. در این مصراع «در باغچه تشنگان بسر دهند» از عناصر تصویر در معنای محدود کلمه، یعنی تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه چیزی وجود ندارد. اما شاعر صحنه‌ای را در مخیله خواننده و شنونده ترسیم می‌کند و به آن صحنه خیالی رنگ عاطفی می‌پاشد. یا در این بیت «بگذار تا مقابل روی تو بگذریم در دیده در شمایل خوب تو بنگریم». خواننده فردی را در ذهن مجسم می‌کند که می‌خواهد از مقابل محبوب بگذرد و بی آن که محبوب متوجه شود، در دیده به‌چهره زیبایی‌هایش نگاهی بیندازد. این صورت‌های ذهنی یا صحنه‌هایی که در ذهن ساخته می‌شود همان «تصویر» در معنای عام کلمه است. پیداست که هر قدر خواننده دل به شعر داده باشد و با منطق شعر همسویی یافته باشد، تصویر در ذهن او رویایی‌تر، پر جلالت‌تر و رنگین‌تر خواهد بود.



اما درباره قصاید سعدی باید گفت در روزگاری که شاعر در آن می‌زیست یعنی قرن هفتم، قصیده‌سرایی اندک اندک رنگ می‌باخت و جای خود را به غزل‌سرایی می‌داد که نه تنها جای قصیده، بلکه رفته‌رفته جای دیگر انواع شعر را نیز پر می‌کرد؛

چنانکه در قرن بعد که زمانه حافظ است، قصیده‌سرایی کمترین توجه را به‌سوی خود می‌کشاند و غزل‌سرایی بیشترین را. با این همه سعدی به قصیده، رنگ و طراوتی تازه داده است. اگرچه قصاید وی از جهت کمی قابل ملاحظه نیست و بیشتر از ۳۵ قصیده فارسی به معنی اصطلاحی آن ندارد، از جهت کیفی حائز کمال اهمیت است. چنانکه برخی جلوه‌گاه شخصیت واقعی او را در قصایدش جستجو کرده‌اند.^۱ بخشی از قصیده‌های او بیانگر اندیشه‌ها و تأملات او در مسائل اخلاقی، اجتماعی و حکومتی است که بعضی از آنها در قالب اندرز و پند گفته شده یا به پند و اندرز منتهی شده است. موضوعات دیگر در قصیده‌های او وصف طبیعت و ستایش خداوند و رثاء و نیز مدح پادشاهان و بزرگان عصر است. در این عرصه است که نقادان ادب بر سعدی خرده گرفته‌اند و مداحی و ستایش صاحبان قدرت و گزاف‌گویی را شأن او ندانسته‌اند؛ اما باید دید سعدی در کجای تاریخ ایستاده بوده است؟ باید جایگاه تاریخی افراد را شناخت، آنگاه به‌ارزش‌گذاری و نقادی اعمال و آثارشان پرداخت. سعدی زاهدی گمنام و گوشه‌نشین و دور از مردم و سیاست و اجتماع نبوده که اهل عصر و فرمانروایان او را نادیده بگیرند و بگذرند. سعدی در میان مردم بوده، با مردم زیسته، واقعیت‌های عصر را درک کرده و به خصیصه قدرت و ماهیت حکومت‌ها، در محدوده ذهنیت روزگار خود، آگاه بوده است و در همان حال به مراکز قدرت نزدیک. پس نزدیکتر به صواب، آن دیده است که ضمن ستایش از قدرتمندان، آنان را پند دهد و به مسئولیت‌های حکومتی که داشته‌اند واقف گرداند. به‌قول زرین‌کوب «لحن او در خطاب به ممدوحان نه لحنِ بشارتگر بلکه لحنِ مرد بیم‌دهنده است.»^۲ مقایسه مدحیه‌های گذشتگانش، که ناصر خسرو به‌حق آنان را شعر فروش خوانده است، نیک نشان می‌دهد که وی همچون آنان شعر را در خدمت قدرت نیاورده و انسانیت و شعر را به‌خواب و ذلت فرو نکشیده است. ***

چند سال پیش، هنگامی که می‌خواستم گزیده‌ای از غزلیات سعدی فراهم کنم، انتخاب را از حوزه ذوق و سلیقه و پسند فردی خودم فراتر بردم و از جمعی از دوستان سخن‌شناسی و شعر دوست خواستم که یک‌بار غزلیات سعدی را از ابتدا تا انتها

۱. دشتی، علی: قلمرو سعدی، ص ۳۰۵

۲. زرین‌کوب، دکتر عبدالحسین: با کاروان حله، ص ۲۴۱

بخوانند و از آن میان ۱۵۰ تا ۲۰۰ غزل برگزینند. این دوستان عبارت بودند از استاد
 دکتر شفیع کدکنی، دکتر رسول شایسته، استاد منوچهر همایون‌پور، اردشیر توکلی و
 محمد تقی کامکار پارسی. برخی از دوستان سخن‌شناس به غزل‌ها امتیاز نیز داده بودند؛
 بدین ترتیب که غزل‌ها را به چهار دسته تقسیم کرده بودند: بهترین غزل‌ها را با ۳ امتیاز،
 غزل‌های درجه ۲ را با دو امتیاز و غزل‌های درجه ۳ را با یک امتیاز مشخص کرده
 بودند. دسته چهارم را غزل‌هایی قرار داده بودند که نباید انتخاب شود. بالاترین نمره‌ای
 که از طریق انتخاب‌ها و امتیازها به دست آمد ۱۲ بود و نهایتاً غزل‌هایی را که ۵ و بالاتر
 از ۵ نمره آورده بودند انتخاب کردم که جمعاً به ۱۶۴ غزل بالغ شد و با عنوان گزیده
 غزلیات سعدی در مجموعه ادب فارسی به شماره ۱۵ چاپ و منتشر گردید. چهل و یک
 غزل این مجموعه، از میان آن ۱۶۴ غزل به وسیله گروهی از دانشجویان کلاس زبان و
 ادبیات فارسی دانشگاه پیام‌نور (واحد بندرعباس) انتخاب شده است. غزل اول در آن
 مجموعه نیست به پیشنهاد چند تن از دانشجویان، از نسخه فروغی اخذ و تیمناً در
 صدر غزل‌ها قرار داده شده است. متن غزل‌ها مطابق با نسخه غزلیات سعدی، تصحیح
 حبیب یغمائی است و در مواردی از نسخه فروغی استفاده شده است. متن قصیده‌ها را
 از کلیات مصحح فروغی برداشته‌ام و در شرح آنها بعضاً به شرح دکتر جعفر شعار
 برگزیده قصاید سعدی که در مجموعه ادب فارسی چاپ و نشر شده است نگاه کرده‌ام.
 در شرح غزل‌ها از افادات دکتر رسول شایسته بهره برده‌ام. نیز خانم لیلا یوسفی
 در تنظیم کتاب و طرح برخی پرسش‌ها مرا یاری کرده است. سپاس به ساحت مقدس
 همه عزیزان باد.